

فهرست

FILM	پاسخ	سؤالات	درسنامه
30 min	۱۲۲	۱۰	۶
17 min	۱۲۳	۱۸	۱۴
26 min	۱۲۴	۲۸	۲۲
12 min	۱۲۷	۳۷	۳۲
18 min	۱۲۸	۴۶	۴۰
16 min	۱۳۱	۵۶	۵۱
18 min	۱۳۳	۶۵	۶۱
23 min	۱۳۶	۷۴	۷۰
11 min	۱۳۹	۸۴	۷۹
20 min	۱۴۱	۹۵	۸۸
18 min	۱۴۴	۱۰۷	۱۰۰
10 min	۱۴۷	۱۱۸	۱۱۲

بارم‌بندی درس فلسفه ۲

شماره درس	پایانی نوبت اول	پایانی نوبت دوم
اول	۳	۱
دوم	۳/۵	۱
سوم	۳/۵	۱/۵
چهارم	۳	۱
پنجم	۳	۱/۵
ششم	۴	۱
هفتم	—	۳
هشتم	—	۳
نهم	—	۱/۵
دهم	—	۲
یازدهم	—	۲
دوازدهم	—	۱/۵
جمع	۲۰	۲۰

درس اول: هستی و چیستی

درس دوم: جهان ممکنات

درس سوم: جهان علی و معلولی

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول)

درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم)

درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول)

درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم)

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام

درس دهم: دوره میانی

درس یازدهم: دوران متأخر

درس دوازدهم: حکمت معاصر

امتحان نهایی



۱۵۰	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۰
۱۵۱	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۰
۱۵۲	آزمون ۳: دی ماه ۱۴۰۰
۱۵۴	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۱
۱۵۵	آزمون ۵: شهریور ماه ۱۴۰۱
۱۵۷	آزمون ۶: دی ماه ۱۴۰۱
۱۵۸	آزمون ۷: خرداد ماه ۱۴۰۲
۱۶۰	آزمون ۸: شهریور ماه ۱۴۰۲
۱۶۳	پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۸

1

بخش



درستامه

و سوالات تشریحی

هستی و چیستی

در این درس می‌خوانیم

تعیین نسبت میان وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) در موجودات
تشخیص دو مفهوم هستی و چیستی در یک موجود و نحوه حمل وجود و هستی بر ماهیات مختلف

مشاوره

بارم این درس در امتحان نوبت اول ۳ نمره و در نوبت دوم (نهایی) ۱ نمره است.

• موضوع دانش فلسفه، «هستی» یا «وجود» است:

دانش فلسفه ← وجودشناسی

• معرفت‌شناسی هم که درباره حقیقت علم صحبت می‌کند، بخشی از وجودشناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم خود قسمی از اقسام وجود است. بنابراین:

وجودشناسی ← معرفت‌شناسی ← حقیقت علم

• مباحث اصلی فلسفه (مباحث پیرامون وجود) شامل مباحثی مانند رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات، مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان می‌شود.

هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت و درک دو مفهوم «هستی (وجود)» و «چیستی (ماهیت)» است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

ماهیت و چیستی

• ماهیت عبارت است از چیستی هر شیء. مثلاً در زندگی، همیشه «چیزهایی» در اطرافمان وجود دارند و به حسب نیاز از آن‌ها استفاده کرده و نیازمان را برطرف می‌کنیم که واقعی هستند مانند آب، درخت، میوه و ... و برخی چیزها هستند که واقعی و موجود تصور کرده‌ایم در حالی که خیالی و غیرواقعی هستند؛ مانند ققنوس، سراب و ...

پس: ماهیات موجود در ذهن به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱ ماهیت‌هایی که در جهان خارج از ذهن وجود دارند (واقعیت یا واقعیت‌هایی وجود دارند) مانند اشیای جهان اطراف ما
- ۲ ماهیت‌هایی که در جهان خارج از ذهن وجود ندارند (فرض وجود برای چیزی موجب نمی‌شود که آن چیز، موجود واقعی باشد بلکه ممکن است زائیده تخیلات افراد باشد) مانند دیو، سیمرغ و ...

وجود و هستی

وجود مفهومی است که دلالت بر هستی یک موجود دارد؛ مثلاً وقتی به حیوانی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «این چیست؟» به این امر اشاره کرده‌ایم که وجود و هستی را برای آن حیوان در نظر گرفته‌ایم و حال با توجه به موجود بودن آن حیوان، به دنبال شناخت ماهیت و چیستی آن هستیم.

نکته مفهومی

مفهومی که در قضایای مربوط به وجود در جایگاه موضوع قرار می‌گیرد، **ماهیت** و مفهومی که نشان دهنده هستی یا نیستی آن موضوع است و در جایگاه محمول قرار می‌گیرد **وجود** و **هستی** نامیده می‌شود.

مثال **فیل وجود دارد** ← فیل، «ماهیتی» است که محمول «وجود» بر آن حمل شده است.

ماهیت هستی
(چیستی) (وجود)

نکته استفاده از ضمائر اشاره مانند «این» و «آن» و نظایر آن نشان می‌دهد که مفهوم وجود برای شیء یا مفهوم مدنظر ما ثابت شده است و به دنبال شناخت «ماهیت یا چیستی» آن مفهوم هستیم؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم این موجود چه ویژگی‌های مخصوصی دارد که آن را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

مثال این چیست؟ ← این حیوان بزرگ و تنومند، فیل نام دارد.

نتیجه‌گیری

انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند (با آن مواجه می‌شود)، دو جنبه می‌یابد:

۱ وجود (هستی): وجه مشترک موجود است.

۲ ماهیت (چیستی): وجه اختصاصی موجود است.

مثلاً وقتی حیوانی را می‌بینیم هم به وجود داشتن آن و هم به ماهیت و ویژگی‌های آن پی می‌بریم و به عبارت دقیق‌تر، ابتدا وجود هر چیزی را اثبات می‌کنیم و بعد به بررسی ماهیت آن می‌پردازیم.

مغایرت وجود و ماهیت

• فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز و تفاوت میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح کرد. ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند مثل اکسیژن و هیدروژن که دو جزء تشکیل دهنده آب هستند یا حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که بگوییم کاغذ، سفید است یا رنگ دیگری است.

نکته در واقع تفاوت وجود و ماهیت در ذهن است نه در عالم خارج؛ یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت «انسان» که ماهیت است و «وجود» فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و «الاً» در عالم خارج تفاوتی بین وجود و ماهیت نیست؛ یعنی در عالم خارج، وقتی به «انسان» اشاره می‌کنیم دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛ به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود انسان» دو مفهوم مختلف و متفاوت در ذهن هستند نه دو موجود جداگانه در عالم خارج.

(صفحه ۴ کتاب درسی) - **تکمیل گزاره‌ها**

سؤال ۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم؛ مانند:

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

۳ «چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

پاسخ ۱ آب، میوه‌ها، حیوانات و ...

۲ جاذبه، انرژی، روح، نور و ...

۳ پری دریایی و سایر موجوداتی که در افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی آمده‌اند.

نکته از مغایرت وجود و ماهیت با تعابیر دیگری مانند «زیادت وجود بر ماهیت در ذهن» یا «عدم عینیت وجود و ماهیت در ذهن» نیز یاد می‌شود.

• به این دو قضیه توجه کنید: **۱** انسان، حیوان ناطق است. **۲** انسان، موجود است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» که محمول قضیه است تعریف شده است؛ در واقع انسان همان حیوان ناطق است یعنی حیوان ناطق بودن از انسان جدایی ناپذیر است مانند مثلث که برای شکل سه ضلعی استفاده می‌شود.

در این نوع تعریف، فقط تفاوت موضوع و محمول در گستردگی استفاده از مفاهیم است مثلاً لفظ انسان، مختصراً از لفظ حیوان ناطق است. بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» حمل چیستی و ذاتیات خود او است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید دقیقاً مانند حمل سه‌ضلعی بر مثلث. اما در عبارت «انسان، موجود است» برای این‌که مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان، موجود است». بنابراین در این نوع قضایا، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است مانند قضایای «انسان شیر است» یا «انسان مخلوق است».

نکته این دلیل می‌تواند از طریق **حس** یا **تجربی** به دست آید یا از طریق **عقل محض**. سایر ماهیت‌ها و چیستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود، همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی‌ها، با مفهوم وجود، مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. برای فهم بهتر این مطالب، به توضیحات زیر دقت کنید:

نکته مفهومی

گاهی موضوع و محمول از جهت «مفهوم» و «مصادق» با یکدیگر وحدت دارند و فقط از جهت اجمال و تفصیل (اختصار یا گستردگی توضیح و تبیین) با یکدیگر اختلاف دارند. مثلاً «حیوان ناطق» و «انسان» از نظر مصادق و مفهوم یکسان هستند ولی فقط مفهوم توضیح انسان، مختصراً از توضیح مفهوم حیوان ناطق است. گاهی نیز موضوع و محمول از نظر «مفهوم» مختلف هستند اما در مصادق وحدت و اشتراک دارند. این امر به این دلیل است که در اصطلاحات عرفی و رشته‌ها و صنایع علمی و ادبی این نوع تعریف، رواج و شیوع دارد مثلاً در قضیه «انسان موجود است»، «انسان» و «موجود» دو مفهوم مختلف هستند ولی «انسان» از مصادیق انواع «موجودات» محسوب می‌شود.

بررسی (صفحه ۶ کتاب درسی) -

سؤال اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

پاسخ بله قطعاً مشکل ساز می‌شود! چون در این صورت به محض این‌که چیزی را تصور می‌کردیم (یعنی ماهیت آن برای ما مشخص می‌شد) باید وجودش هم اثبات می‌شد در حالیکه این چنین نیست مثلاً با این‌که ماهیت و چیستی سیم‌رغ یا ققنوس برای ما مشخص است ولی می‌دانیم که وجود و هستی ندارند. بنابراین وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر مغایرت دارند (یا به عبارتی دیگر، مفهوم وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر عینیت ندارد).

بازبینی (صفحه ۶ کتاب درسی) -

سؤال به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن‌سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ آیا سه گزاره طرح‌شده، با بیان ابن‌سینا هماهنگ‌اند؟

۲ کدام گزاره نظر ابن‌سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

پاسخ ۱ بله، همه گزاره‌ها با بیان ابن‌سینا هماهنگ هستند و تضادی با قول ایشان ندارد.
۲ گزاره‌های دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می‌رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می‌شناسیم اما ماهیت آن‌ها روشن نیست. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می‌توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی‌که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می‌آوریم.

گذری تاریخی (سیر تاریخی مغایرت وجود و ماهیت)

- به علت توجه خاص ابن‌سینا این بحث به عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عناوین مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
- آکوئیناس همچون ابن‌سینا، این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی «ابن‌رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

نکته: از قرن ۱۶ میلادی، با رشد تجربه‌گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های **حسن‌گرا** و **تجربه‌گرا** دادند و فرصت رشد و گسترش بیشتر پیدا نکردند. نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

(صفحه ۷ کتاب درسی) - **به کار ببندیم**

سؤال ۱ قضیه انسان موجود است را با کدام یک از فضای زیر می‌توان مقایسه کرد؟

- ۱) انسان بشر است.
 - ۲) انسان حیوان است.
 - ۳) انسان مخلوق است.
 - ۴) شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟
 - ۵) به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟
۱. انسان حیوان است.
 ۲. انسان شیر است.
 ۳. انسان عجل است.
 ۴. انسان ناطق است.
 ۵. انسان موجود است.
- ۴ آیا در قضیه «مثلث سه‌ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

پاسخ ۱ قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است؛ زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان، نیازمند دلیل است؛ اما بشر و حیوان، ذاتی انسان هستند و دلیل نمی‌خواهند.

۲ این تمرین گویای آن است که انسان، میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با این‌که می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود چیست؛ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود، شک و تردید دارد که چه ماهیتی است اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.

۳ ۱. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۲. حمل ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج، شیر و انسان یکی هستند. / ۳. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۵. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴ سه‌ضلعی، ویژگی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.

درس در یک نگاه





برای مشاهده فیلم
شب امتحان این درس
اسکن کنید.

سؤالات تشریحی

درس اول: هستی و چیستی

سؤالات صحیح / غلط

۱. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها است. (شهریور ۱۴۰۲ - خرداد و شهریور ۹۹)
۲. وجود هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن است. (دی ۱۴۰۱)
۳. حمل مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است. (شهریور ۱۴۰۱)
۵. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. (دی ۱۴۰۰)
۶. حمل «جسم» بر «مداد» و «خودکار» به دلیل نیاز دارد. (خرداد ۱۴۰۰)
۷. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار است. (دی ۹۹)
۹. وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (دی ۹۹)
۱۰. «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت‌اند نه دو موجود جداگانه.
۱۱. دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی پذیرند.
۱۲. دو عبارت «هر انسانی حیوان ناطق است.» و «هر حیوان ناطقی انسان است.» هر دو صادق‌اند.
۱۳. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد.
۱۴. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.
۱۵. میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست.
۱۶. «آگوستین» از طریق فلسفه ابن سینا؛ برهان «وجوب و امکان» را در اروپا گسترش داد و موجب گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
۱۷. توماس آکوئیناس؛ پایه‌گذار مکتب فلسفه تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
۱۸. فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه افلاطونی آشنا شدند.
۱۹. چون موضوع دانش فلسفه، وجود است، بنابراین فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.
۲۰. دو مفهوم وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۲۱. در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.
۲۲. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند اما نمی‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.
۲۳. برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست.
۲۴. «چیستی» های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند.
۲۵. به ویژگی‌های مخصوص به خود موجودات که آنها را از دسته دیگر موجودات متمایز می‌کند در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند.
۲۶. وجود و ماهیت هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۲۷. ابن سینا برای اثبات عینیت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرده است.
۲۸. حمل دارای اضلاع و متساوی‌الاضلاع بر مثلث به دلیل نیاز دارد.
۲۹. اگر فرض کنیم مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، آنگاه امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.

سؤالات جای خالی

۳۰. وقتی کسی می‌پرسد آن چیست؟ یعنی به آن شیء پی برده است اما از آن بی‌خبر است. (دی ۱۴۰۱)
۳۱. انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «.....» و «.....». (خرداد ۱۴۰۱)
۳۲. ویژگی‌های مخصوص یک شیء را در منطق و فلسفه، آن شیء می‌گویند. (شهریور ۱۴۰۱)
۳۳. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از اشیا آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰)
۳۴. توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، نظریه را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود. (دی ۹۹)
۳۵. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، بوده است. (شهریور ۹۹)
۳۶. همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آن‌ها از جهت می‌باشد. (دی ۹۸)
۳۷. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از وجود اشیا آگاه است اما از آنها آگاه نیست. (دی ۹۸)
۳۸. ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده آن شیء است. (دی ۹۸)
۳۹. در عبارت «آهو حیوان است»، «آهو» و «حیوان» دو مختلف و متفاوت از یک موجود هستند نه دو امر جداگانه. (دی ۹۸)
۴۰. موضوع دانش فلسفه است. (دی ۹۸)
۴۱. فلسفه، مسائل پیرامون را بررسی می‌کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را می‌گویند. (دی ۹۸)
۴۲. دو مفهوم و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به‌کار می‌روند. (دی ۹۸)
۴۳. وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آن‌ها است. (دی ۹۸)
۴۴. در عبارت «انسان موجود است»، «انسان» و «وجود» دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه. (دی ۹۸)
۴۵. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل است و به نیاز ندارد. (دی ۹۸)
۴۶. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» است و تعریف آن قرار نمی‌گیرد. (دی ۹۸)
۴۷. در عبارت «انسان موجود است» میان انسان به عنوان یک و وجود رابطه ذاتی برقرار (دی ۹۸)
۴۸. حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است از طریق حس و به‌دست آید یا از طریق (دی ۹۸)
۴۹. فرق بین ماهیت و وجود، پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان قرار گرفت. (دی ۹۸)
۵۰. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در اروپا ترویج کرد، بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود. (دی ۹۸)
۵۱. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (دی ۹۸)

سؤالات دوگزینه‌ای

۵۲. در کدام قضیه، محمول از اجزاء ذاتی موضوع است؟ (خرداد ۱۴۰۲)
- ۱ آهن، فلز است. ۲ آب، شور است.
۵۳. محمول در کدام یک از قضایای زیر، جزء مفهوم موضوع است نه عین آن؟ (دی ۱۴۰۱)
- ۱ مثلث شکل است. ۲ مثلث شکل سه ضلعی است.
۵۴. نوع حمل، در قضیه «لوزی شکل است» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟ (خرداد ۱۴۰۱)
- ۱ انسان حیوان است. ۲ انسان مخلوق است.
۵۵. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به چه چیزی از اشیا پی برده است؟ (دی ۱۴۰۰)
- ۱ وجود ۲ ماهیت
۵۶. در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد، مجدداً با کدام فلسفه آشنا شدند؟ (خرداد ۱۴۰۰ - دی ۹۹)
- ۱ افلاطون ۲ ارسطو

۵۷. فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (دی ۹۹)

۱ افلاطون

۲ ارسطو

۵۸. کدام اصل، پایه برهان و وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفته است؟ (خرداد ۹۹)

۱ مغایرت وجود و ماهیت

۲ تقدم علت بر معلول

۵۹. قضیه «زمستان سرد است» را با کدام قضیه می توان مقایسه کرد؟

۱ پلاتین فلز است.

۲ انسان فانی است.

کشف ارتباط

۶۰. هریک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف. وجه مشترک همه موجودات	۱. از جهت مفهوم
ب. وجه اختصاصی همه موجودات	۲. توماس آکوئیناس
ج. پایه‌گذار مکتب فلسفه «تومیسم»	۳. وجود
د. تفاوت وجود و ماهیت	۴. ماهیت
ه. برهان خداشناسی ابن سینا	۵. وجوب و امکان

سؤالات پاسخ کوتاه

۶۱. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریه مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده‌اند، نام ببرید.

(شهریور ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۰ - دی ۹۹)

۶۲. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

۶۳. موضوع دانش فلسفه چیست؟

۶۴. چرا اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می‌گویند؟

۶۵. یکی از مباحث اولیه فلسفه چه بود؟

۶۶. وجه مشترک و وجه اختصاصی همه موجودات را بنویسید.

۶۷. به ترتیب، کدام فیلسوف مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و کدام فیلسوف راه وی را ادامه داد؟

۶۸. به نظر ابن سینا، دلایل حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» از چه طریقی به دست می‌آید؟

۶۹. یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چه نام دارد؟

۷۰. یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به چه برهانی معروف است؟

۷۱. توماس آکوئیناس کدام اصل را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد؟

۷۲. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی در اروپا پایه‌گذاری نمود، به دیدگاه‌های کدام فیلسوفان مسلمان متکی بود؟

۷۳. مکتب فلسفی‌ای که توماس آکوئیناس پایه‌گذار آن در اروپا شد چه نام دارد؟

۷۴. فلاسفه غرب از چه طریقی توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند و ارتباط برقرار کنند؟

سؤالات پاسخ بلند

۷۵. از دیدگاه ابن سینا، وقتی می‌گوییم «آب و وجود دو مفهوم از یک موجود هستند»، به چه معنا می‌باشد؟ توضیح دهید. (خرداد ۱۴۰۲)

۷۶. چرا حمل وجود بر «درخت»، به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید. (شهریور ۱۴۰۲)

۷۷. چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر مثلث نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰)

۷۸. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (دی ۹۹ - خرداد ۹۹)

۴
بخش



پاسخنامه

هستی و چیستی

 درس
۱

۱	غلط	۲	غلط
۳	صحیح	۴	صحیح
۵	غلط	۶	غلط
۷	صحیح	۸	غلط
۹	غلط	۱۰	صحیح
۱۱	غلط	۱۲	صحیح
۱۳	صحیح	۱۴	صحیح
۱۵	صحیح	۱۶	غلط
۱۷	صحیح	۱۸	غلط
۱۹	صحیح	۲۰	صحیح
۲۱	صحیح	۲۲	غلط
۲۳	صحیح	۲۴	صحیح
۲۵	صحیح	۲۶	غلط
۲۷	غلط	۲۸	غلط
۲۹	صحیح		
۳۰	هستی (یا وجود) - چیستی (یا ماهیت)		
۳۱	هستی (یا وجود) - چیستی (یا ماهیت)		
۳۲	ذاتیات	۳۳	وجود (هستی)
۳۴	فرق وجود و ماهیت	۳۵	توماس آکوئیناس
۳۶	ماهیت (چیستی)	۳۷	ماهیت (چیستی)
۳۸	ذاتیات	۳۹	مفهوم (معنا)
۴۰	وجود	۴۱	وجود - وجودشناسی
۴۲	هستی - چیستی (وجود و ماهیت)		
۴۳	وجود - ماهیت	۴۴	مفهوم - موجود
۴۵	ذاتی - دلیل و علت	۴۶	جدا - جزء
۴۷	چیستی - نیست	۴۸	تجربه - عقل محض
۴۹	وجود و امکان	۵۰	ابن سینا - ابن رشد
۵۱	ارسطویی	۵۲	گزینه «۱»
۵۳	گزینه «۱»	۵۴	گزینه «۱»
۵۵	گزینه «۱»	۵۶	گزینه «۲»
۵۷	گزینه «۲»	۵۸	گزینه «۱»
۵۹	گزینه «۲»		
	«در عبارت «پلاتین فلز است» حمل «فلز بودن» بر «پلاتین» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «سردی» بر «زمستان» در عبارت «زمستان سرد است» و حمل «فانی بودن» بر «انسان» در عبارت «انسان فانی است» حمل ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.		
۶۰	الف) ۳ ب) ۴ ج) ۲ د) ۱ ه) ۵		
۶۱	ابن سینا - توماس آکوئیناس		

۶۲	وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)
۶۳	وجود (مطلق وجود)
۶۴	زیرا فلسفه، وجود و مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.
۶۵	درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است.
۶۶	وجود، وجه مشترک و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است.
۶۷	فارابی - ابن سینا
۶۸	از طریق حس و تجربه و یا از طریق عقل محض به دست می‌آید.
۶۹	فرق بین ماهیت و وجود
۷۰	برهان وجوب و امکان
۷۱	اصل مغایرت وجود و ماهیت
۷۲	بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد
۷۳	تومیسیم
۷۴	از طریق ابن سینا و ابن رشد
۷۵	بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند. بلکه از موجودی واحد، دو مفهوم مختلف را به دست آورده‌ایم یعنی در عالم خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم.
۷۶	زیرا وجود، از اجزای تعریفی درخت نمی‌باشد. بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست. از آن جدایی پذیراست.
۷۷	زیرا «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.
۷۸	در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.
۷۹	در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «مثلث» در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.
۸۰	خیر؛ زیرا «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند.
۸۱	زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۸۲	کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» آن حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی‌شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند.

۹۰ | زیرا میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۹۱ | مقصود این است که حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و «انسان» همان اجمال «حیوان ناطق» می‌باشد.

۹۲ | بله؛ زیرا همان‌طور که حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» یک حمل ذاتی و ضروری است، حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» نیز یک حمل ذاتی و ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. (توضیح آنکه وقتی سؤال می‌کنیم «آیا هر مربعی دارای دو قطر مساوی است؟» یا «آیا هر مستطیلی دارای زاویه است؟» پاسخ آنها مثبت (بله) خواهد بود.)

جهان ممکنات

درس
۲

۹۳ غلط	۹۴ صحیح
۹۵ صحیح	۹۶ غلط
۹۷ صحیح	۹۸ غلط
۹۹ صحیح	۱۰۰ صحیح
۱۰۱ صحیح	۱۰۲ صحیح
۱۰۳ غلط	۱۰۴ صحیح
۱۰۵ صحیح	۱۰۶ صحیح
۱۰۷ غلط	۱۰۸ غلط
۱۰۹ صحیح	۱۱۰ صحیح
۱۱۱ صحیح	۱۱۲ غلط
۱۱۳ غلط	۱۱۴ صحیح
۱۱۵ غلط	۱۱۶ غلط
۱۱۷ صحیح	۱۱۸ امتناعی
۱۱۹ واجب‌الوجود بالغیر	۱۲۰ ممکن‌الوجود
۱۲۱ بالغیر	۱۲۲ امکانی
۱۲۳ بالغیر	۱۲۴ ضروری و وجوبی
۱۲۵ امتناعی	۱۲۶ ممکن‌الوجود
۱۲۷ ضروری - وجوبی	۱۲۸ امتناعی
۱۲۹ سه - وجوبی / امکانی / امتناعی	
۱۳۰ وجوبی - امکانی - امتناعی	۱۳۱ ذات - ماهیت
۱۳۲ امکانی	۱۳۳ امکانی
۱۳۴ ممکن‌الوجود	۱۳۵ ذاتاً
۱۳۶ علت (تامه) - وجود	
۱۳۷ ممکن‌الوجود - واجب‌الوجود بالغیر	
۱۳۸ واجب‌الوجود بالغیر	۱۳۹ واجب‌الوجود بالغیر
۱۴۰ بالغیر - امکانی	۱۴۱ گزینه «۲»
۱۴۲ گزینه «۲»	۱۴۳ گزینه «۲»

۸۳ | به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند. بلکه منظور این است که آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارتی: «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

۸۴ | تفاوت «انسان» و «وجود» از جهت مفهوم است یعنی «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند. انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیستی (انسان) و هستی (وجود داشتن انسان) را به دست می‌آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم.

۸۵ | خیر. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ و در حقیقت «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان است و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می‌باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به عبارت دیگر، این دو مفهوم یعنی «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی‌ای» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۸۶ | در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. حال، این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض.

۸۷ | چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» جزء چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۸۸ | بله؛ چون مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست. پس برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «ماهیت» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم که «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض.

۸۹ | حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی و ضروری» است، چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و لذا به دلیل نیاز ندارد.



هستی و چیستی^۱

یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آنهاست. این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. برای شناخت بیشتر این دو مفهوم و نسبت میان آنها، چند قدم برمی‌داریم تا در قدم آخر، به نتیجه مطلوب برسیم.

قدم نخست

به یاد می‌آوریم که از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراغ غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم، وقتی غمگین می‌شدیم و دلمان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌رفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف گردد. آیا می‌توانید بگویید این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را در خاطر می‌آورد؟ آری، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی:

ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

گاج

قدم سوم

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. ابن‌سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم. اما از نگاه فلسفی، آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارت دیگر:

«آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

تکمیل گزاره‌ها

۱ در اطراف ما اشیا فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آنها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم؛ مانند:

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

۳ «چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن‌سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند.



پیرامون واقعیت و هستی

در بخش اول کتاب سال یازدهم، چیستی دانش فلسفه و رابطه آن با زندگی تبیین شد. در اینجا توضیح دادیم که موضوع دانش فلسفه «وجود» است و فلسفه، مسائل بنیادین و اساسی پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند. در بخش دوم همان کتاب، یکی از مباحث اساسی فلسفه، یعنی «علم و معرفت»، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در یک نگاه تاریخی، نظر برخی از فلاسفه اروپایی و اسلامی، در این باره بیان گردید و مقایسه‌هایی هم صورت گرفت. اکنون، در بخش اول این کتاب به مباحث اصلی پیرامون حقیقت وجود، یعنی رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علت با جهان می‌پردازیم.

قدم دوم

پدری کودک خود را به باغ وحش می‌برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می‌کند و از پدر می‌پرسد: «این چیست؟»

پدر می‌گوید: «این حیوان تنومند، فیل نام دارد و در جنگل‌های هند و آفریقا زندگی می‌کند. وزن این حیوان گاهی به ۶۰۰۰ کیلوگرم هم می‌رسد و به همین خاطر، سنگین‌ترین حیوان روی خشکی است.»



پس از عبور از این حیوان، نوبت به حیوان دوم می‌رسد. کودک سؤال قبلی خود را تکرار می‌کند و پدر هم دربارۀ خصوصیات آن حیوان توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می‌دهد. این پرسش و پاسخ تا آخر بازدید از باغ وحش ادامه می‌یابد.

۱ کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌های مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

پس می‌توانیم بگوییم:

۲ انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».

۳ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

قدم چهارم

ابن سینا برای این نظر خود که آن را «مغایرت وجود و ماهیت» نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می باشد:

اومی گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل «وجود» بر «انسان» یا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان، به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چپستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ «انسان» برای «حیوان ناطق» به کار می رود.

چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟

اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت ها و چپستی ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چپستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.

مثلاً نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است» مانند قضیه «انسان حیوان» است، می باشد.

مثلاً در قضیه «آهن فلز است»، «فلز» از اجزای تعریفی آهن است. یا مثلاً حمل وجود بر درخت، به دلیل نیاز دارد، زیرا وجود از اجزای تعریفی درخت نمی باشد و بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست و از آن جدایی پذیر است.

۱. خرداد ۱۴۰۲ - شهریور ۱۴۰۲
۲. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ خارج
۳. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ خارج
۴. شهریور ۱۴۰۰
۵. خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰
۶. دی ۹۹
۷. خرداد ۱۴۰۱
۸. خرداد ۱۴۰۲ - شهریور ۱۴۰۲

مثلاً محمول در قضیه «مثلث

شکل است»، جزء مفهوم موضوع است اما در قضیه مثلث شکل سه ضلعی است، محمول عین موضوع است



توماس آکوئیناس در سال ۱۲۲۵ میلادی در ناپل به دنیا آمد. او حدود ۳۹ سال عمر کرد. او فعالیت علمی و دینی خود را در شهرهای پاریس، رم، ناپل و کلن انجام داد. او یکی از رهبران برجسته کلیسای کاتولیک به شمار می آید و برجسته ترین فیلسوف و متکلم دوره قرون وسطی شمرده می شود. آکوئیناس با اندیشه ابن سینا آشنا بود و با پیروان این رشد در اروپا مشاجرات علمی فراوان داشت. وی از پیشگامان رویکرد عقلی در مسیحیت بود و تلاش می کرد عقاید مسیحیت را با دلایل عقلی همراه کند و عقاید و مراسم مسیحی را با عقل سازگار نماید. پایاپوی سیزدهم در سال ۱۲۷۹ م. فلسفه او را به عنوان سرمشقی برای تفکر مسیحی ستود. از آن پس اندیشه های توماس آکوئیناس مورد احترام کاتولیک ها بود و کمتر مورد نقد قرار می گرفت. او در سال ۱۲۷۴ م. از دنیا رفت.

بررسی

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله ای پیش می آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

بازبینی

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال های زیر پاسخ دهید.

۱. آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟
۲. کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟

گذری تاریخی

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا با عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه ای یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز می باشد که در جای خود درباره آن سخن خواهیم گفت.

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس»، که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهایی فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خدشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۱. دی ۱۴۰۱
۲. شهریور ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ - شهریور ۹۹

۶



او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری نمود

که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد»، دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

ابن نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه ساز گفت و گوهایی مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.



ابوالولید محمد بن احمد بن رشد، معروف به ابن رشد در سال ۵۲۰ هجری قمری در قرطبه اندلس (اسپانیا) به دنیا آمد. او در علوم مختلف زمان خود تحصیل کرد. در علم طب، کتاب «الکلیات» را نوشت و در فلسفه، معروف ترین کتاب خود، یعنی «شرح مابعدالطبیعه» ارسطو را تالیف کرد. ابن رشد در سال ۵۹۵ هجری درگذشت و در قرطبه به خاک سپرده شد.

به کار ببندیم

۱. قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می توان مقایسه کرد؟
۱. انسان بشر است. ۲. انسان حیوان است. ۳. انسان مخلوق است.
۲. شبی علی و محمد در حال گفت و گو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرس» است، وقتی کمی نزدیک تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرس، بلکه یک تخته سنگ است!
۳. به نظر شما چه نتیجه ای می توان در مورد نسبت میان چپستی و هستی گرفت؟
۴. به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟
۱. انسان حیوان است. ۲. انسان شیر است. ۳. انسان عجول است.
۴. انسان ناطق است. ۵. انسان موجود است.
۵. آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

برای مطالعه بیشتر می توانید به منابع زیر مراجعه کنید.

۱. نه‌پایه‌الحکمه، علامه طباطبایی.
۲. شرح مبسوط منظومه، مرتضی مطهری، ج ۱.
۳. شرح بنیادیه الحکمه علامه طباطبایی، علی شیروانی، ج ۱، ص ۳۵ به بعد.
۴. مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۵، ص ۱۵۹ و ج ۹ ص ۴۹.
۵. سرگذشت فلسفه، براین مگی، ص ۵۸.
۶. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۲، ص ۴۲۹.

۱. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - دی ۹۹
۲. خرداد ۹۹
۳. خرداد ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹

۷

جهان ممکنات

در درس قبل تا اینجا پیش آمدیم که دانستیم مفهوم «وجود» از مفهوم ماهیات و چپستی ها جداست و از ذاتیات آنها شمرده نمی شود. در این درس می خواهیم از این آموخته استفاده کنیم و آن را مبنای بحث دیگری قرار دهیم که در فلسفه اهمیت فراوانی دارد.

روزگاری انسان تصور می کرد که جهان طبیعت فقط از یک کهکشان راه شیری تشکیل شده است. تصاویر تلسکوپ فضایی هابل در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که شمار کهکشان های جهان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد است. اکنون گروهی از اخترشناسان نشان داده اند که این رقم باید ۱۰ برابر شود؛ یعنی حدود ۲۰۰۰ میلیارد!

تبدیل رقم ۲۰۰ میلیارد به ۲۰۰۰ میلیارد، در ظرف حدود ربع قرن، گویای آن است که این رقم می تواند ده برابر یا صد برابر و یا هزاران برابر گردد.



فضای کهکشانی

۸